قدس
رواق
ویژه فرهنگ و معارف رضوی
| سال دوم | ویژه نامه ۳۴۷ |

حجت‌الاسلام والمسلمین جواد محدثی در نشست «جایگاه الهی‌نامه‌نویسی در ادبیات دینی» مطرح کرد

احیای سنت «الهی‌نامه خوانی» در فرهنگ عمومی

۲

مهدی جهانگیری ـ عکس رضوی

جلوه دیگری از خدمتگزاری خادمان امام رضا(ع)

سفیران کرامت رضوی

در چند سال اخیر خوشبختانه حرکت‌های ارزشمندی با هدف کمک به خانواده زندانیان؛ از آزاد کردن زندانی گرفته تا حمایت از اعضای خانواده‌هایشان در کشورمان شاهد هستیم. اما پیش‌شرط همه اقدام‌ها در این مسیر، کمک به تقویت فرهنگ مصالحه و بخشش است. اقدام فرهنگی ارزشمندی که از آیین غنی اسلامی و سفارش‌ها و سیره اهل بیت طاهرین(ع) سرچشمه می‌گیرد. آستان قدس رضوی نیز از چند سال پیش، چه در قالب طرح‌های حمایتی نهادهای خود نظیر «نذر امام» که برای آزادی مادران نیازمند زندانی در سطح کشور توسط بنیاد کرامت رضوی در حال اجراست و چه به ...

۴

موعظه/آیت‌الله حاج آقا مجتبی تهرانی
زندگی دنیایت را بر چه محوری استوار کردی؟ ۲

رجبی دوانی:
دشمن دنبال برهم زدن پیوند هیئت با نظام است ۳

فاکتور ۸ نوترکیب ایرانی در راه کشورهای حوزه C.I.S ۴

وزیر فرهنگ در اختتامیه جشنواره شعر نماز جمعه تأکید کرد
ضرورت بازگشت فعالیت های فرهنگی به مساجد ۲

رونمایی از بسته محتوایی شعر ویژه دهه کرامت ۴

درباره زندگی و خدمات ابوطاهر قمی، وزیر نامدار عصر سلجوقی و مدفون در حرم رضوی

مرا بس است خادم رضا علیه‌السلام بودن

محمد حسین نیکبخت | قدیمی‌ترین بخش اماکن متبرکه، ساختمان زیر گنبد و اطراف ضریح مطهر امام رضا(ع) است که به «روضه منوره» شهرت دارد. در این مکان مقدس، با وجود تغییرات مداوم در تاریخ هزار و ۲۰۰ ساله آن، می‌توان نشانه‌های متعددی از فعالیت‌های عمرانی گذشته یافت. یکی از این نشانه‌ها، کاشی‌های بسیار زیبا موسوم به کاشی‌های «زرین‌فام» یا «سنجری» است که برخی عقیده دارند با توجه به شواهد تاریخی، در عهد سلطان سنجر سلجوقی یعنی چیزی حدود ۹۲۰ سال پیش ساخته و نصب شده است. اما شاید شخصیت مهم و تأثیرگذاری که نقش بسیار مهمی در تزئینات و مرمت ساختمان حرم رضوی طی این دوره تاریخی ایفا کرد، چندان برای شما شناخته شده نباشد؛ شرف‌الدین ابوطاهر قمی ملقب به «وجیه‌الملک».

■ از قم تا مشهد

ابوطاهر قمی چنان که از نامش پیداست، در روستای «ویدهند» قم به دنیا آمد؛ در خاندانی شیعی مذهب که بر اعتقاداتشان بسیار استوار بودند. ابوطاهر در دوران سلطنت ملکشاه سلجوقی به بغداد رفت و «لشکرنویس» شد. منصبی که بسیار مهم و مورد توجه بود و تمام حساب و کتاب لشکریان و اموراتشان را زیر نظر داشت. خیلی زود استعدادهایش را شناختند و به دلیل دقتش در امور، از وی برای مناصب مهم‌تر استفاده کردند. طولی نکشید که ابوطاهر قمی مورد توجه خواجه نظام‌الملک طوسی قرار گرفت و او این قمی بااستعداد را به عنوان ناظر امور دیوانی به مرو فرستاد. استقرار ابوطاهر در مرو و نزدیکی این شهر به مشهدالرضا(ع) موجب شد که او ارتباط گسترده‌ای با مشهد و سادات رضوی آن پیدا کند. ابوطاهر با وجود مسئولیت‌های حکومتی متعدد که اتفاقاً هر روز هم به آن‌ها اضافه می‌شد، رسیدگی به امور حرم مطهر و فعالیت در راستای آسایش زائران و مجاوران این مکان مقدس را بر خود فرض می‌دانست. برخی از مورخان معتقدند نخستین گنبد حرم رضوی به دست ابوطاهر بنا شده است اما این ادعا چندان درست به نظر نمی‌رسد و احتمالاً او دست به ترمیم یا تجدید بنای گنبد حرم زد. از دیگر کارهای ابوطاهر، توجه ویژه به تزئین نمای داخلی حرم امام رضا(ع) بود. تا پیش از او، حرم مطهر تزئینات چندانی نداشت اما با همت وی، «ازاره» یا بخش پایینی دیوار حرم کاشی‌کاری شد و این کاشی‌های زرین‌فام بعدها ترمیم گردید و تا امروز بر بخش‌هایی از دیواره داخلی روضه منوره باقی است.

■ دعوت برای خدمت

نکته دیگری که باید درباره خدمات ابوطاهر قمی در آستان قدس رضوی مورد توجه قرار گیرد، نقش وی در تشویق شیعیان و حتی پیروان دیگر مذاهب اسلامی به فعالیت‌های عمرانی در حرم رضوی است. قدیمی‌ترین سنگ مرقد مطهر امام رضا(ع) مربوط به سال ۵۱۶ ق/ ۵۰۱ ش و همزمان با اواخر دوران زندگی ابوطاهر قمی ساخته شد؛ سازنده این سنگ، ابوالقاسم احمد بن علی علوی حسینی است. درست در همین دوره، برادران کاکویه – که یک بار در صفحه نخست رواق درباره خدمات گسترده آن‌ها به مشهدالرضا(ع) و ایجاد قدیمی‌ترین بارو در اطراف حرم صحبت کردیم – دست به فعالیت‌های عمرانی در مشهد زدند و این اقدام نمی‌تواند با تکاپوهای عمرانی و خدماتی ابوطاهر قمی که در آن زمان به وزارت سلطان سنجر سلجوقی منصوب شده بود و در همان حال، مسئولیت پیشین خود را در مرو هم عهده‌دار بود، بی‌ارتباط باشد. می‌دانیم که در این زمان و به دلیل شیوع تعصبات مذهبیِ ناشی از فعالیت‌های فرقه اسماعیلیه، زائران و مجاوران حرم رضوی روزگار سختی می‌گذراندند و این اقدام ابوطاهر، گامی مؤثر برای کاستن از مشکلات رفاهی و امنیتی آن‌ها بود.

■ آرمیدن در جوار ولی خدا

ابوطاهر را فردی دین‌دار، متشرع و مردم‌دار دانسته‌اند. او به دلیل اعتقاد به مذهب شیعه بارها مورد آزار و اذیت قرار گرفت و رقیبان سیاسی‌اش از این مسئله به دفعات سوءاستفاده کردند؛ اما ابوطاهر بر اعتقاد خود راسخ ماند. وی در اواخر عمر به وزارت سلطان سنجر سلجوقی هم منصوب شد، اما بیش از سه ماه در این منصب نماند و در ۲۵ محرم سال ۵۱۶ / ۲۲ فروردین سال ۵۰۱ بر اثر بیماری دار فانی را وداع گفت. پیکر ابوطاهر قمی را چنان‌که وصیت کرده بود، به مشهد انتقال دادند و در روضه منوره ثامن‌الحجج(ع) به خاک سپردند. او موقوفاتی نیز برای حرم مطهر در نظر گرفته بود که از آن جمله، روستایی را در نزدیکی مشهد نام برده‌اند که جزئیاتش در دسترس نیست. ابوطاهر فردی هنردوست و شاعرپرور بود. بسیاری از شاعران نامدار آن دوران مانند «امیرمعزی» در مدح وی شعر گفته‌اند.

گزیده

ابوطاهر با وجود مسئولیت‌های حکومتی متعدد که اتفاقاً هر روز هم به آن‌ها اضافه می‌شد، رسیدگی به امور حرم مطهر و فعالیت در راستای آسایش زائران و مجاوران این مکان مقدس را بر خود فرض می‌دانست. برخی از مورخان معتقدند نخستین گنبد حرم رضوی به دست ابوطاهر بنا شده است.

منبرمجازی

در مجالس شادی روضه نخوانیم

حجت‌الاسلام ماندگاری | روحانیت معظم، منبری‌های عزیز، واعظان بزرگوار... ما لباس پیغمبر را پوشیدیم. از خودمان نباید مدل دربیاوریم. همان طور که پیغمبر(ص) به مردم فرمودند: مثل من نماز بخوانید به ما منبری‌ها هم فرمودند: مدل ما منبر بروید. مدل ما تبلیغ کنید. وجود نازنین پیغمبر(ص) داشتند نماز جماعت می‌خواندند، صدای گریه بچه‌ای بلند شد. حضرت سرعت را بیشتر کردند که نماز زود تمام شود... بعد هم فرمودند: از گریه بچه فهمیدم مادرش دارد نماز می‌خواند... مادری با وجود نوزاد، دوست دارد به جماعت بیاید... نماز جماعت بخواهد ۲۰دقیقه، نیم ساعت طول بکشد، این مادرها نباید بیایند... بزرگواران عزیز! مثلاً در شب نیمه شعبان حتماً باید شادی باشد. در ولادت‌ها حتماً باید شادی باشد. اینکه من منبری و مداح به هر بهانه‌ای در شادی بخواهم روضه بخوانم، نمی‌شود... باید حتماً شادی و فرح باشد، زیبایی‌ها گفته شود، قشنگی‌ها گفته شود و مردم انبساط خاطر داشته باشند روضه‌هایی که جگر همه را خون می‌کند نباید خوانده شود... یکی از قلق‌های این جلسات اقتضاشناسی است. اقتضای مسجد و محفل را در نظر بگیریم. مخاطب، زمان و مکان را در نظر بگیریم. قطعاً مسجد دانشگاه با مسجد محل و مسجد بازار و با مسجدی که هیئت رزمندگان آنجا برنامه دارد، متفاوت است. مسجد دانشگاه یک عده دانشجویان عزیزی هستند که دوست دارند بیایند، کمیل را بخوانند و مثلاً شادی شب نیمه شعبان را هم داشته باشند و از معارف هم استفاده کنند ولی در حدی که اشتها بماند. اصلاً به ما گفتند: دعاها و معارف را به گونه‌ای به مردم بگویید، مثل غذا خوردن که تا هنوز سیر نشده دست بکشد و بگوید: آخ جون چقدر خوب بود. منبری‌های عزیز از معارف بگویند، اما متناسب با زمان و مکان بگویند، متناسب با حال مخاطب، متناسب علاقه و ظرفیت مخاطب و نیازش بگویند. «کم گوی و گزیده گوی چون دُر» ... بعضی از مداحان و منبری‌های ما اقتضا را نمی‌شناسند، خودش حال خوبی دارد و منقلب شده، می‌خواهد همه پا به پای او منقلب شوند... این درست نیست و من احساس می‌کنم اگر رعایت کنیم و کمتر روضه بخوانیم، تناسب شب عید را رعایت کنیم و مناجات بخوانیم بهتر است... من معتقدم شاید شیرین‌ترین چیزی که به جوان‌ها حال بدهد مناجات است. از گریه همراه با مناجات ناراحت نمی‌شوند، چون با دل خودشان گریه می‌کنند و این خیلی قشنگ است... امیدواریم این اتفاق بیفتد... .

فرهنگ و هنر

نماد «مکتب هنر رضوی» رونمایی شد

نماد «مکتب هنر رضوی» با همکاری مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی و دانشگاه هنر در تهران رونمایی شد.

این مراسم با توجه به انعقاد تفاهم‌نامه همکاری میان مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی و دانشگاه هنر با حضور جمعی از مدیران هر دو مجموعه برگزار شد. همچنین در این مراسم علاوه بر نماد مشترک «مکتب هنر رضوی»، از پوستر دهه کرامت که طبق آیین هر ساله در مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی طراحی می‌شود، رونمایی شد.

در ادامه این مراسم، معاون آموزشی و رئیس دانشکده موسیقی دانشگاه هنر در خصوص تفاهم‌نامه همکاری با هدف گسترش، ارتقا و توسعه معنایی و مفهومی هنر دینی به ویژه هنر برآمده از آموزه‌های فرهنگ رضوی بحث و تبادل نظر کردند.

ادامه این جلسات با حضور مسئولان مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی و دانشگاه هنر با محوریت موضوع تفاهم‌نامه، دیروز در دانشکده سینما و تئاتر این دانشگاه برگزار شد.

این تفاهم‌نامه میان مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی و دانشگاه هنر تهران در راستای همکاری پژوهشی و آموزشی دوره‌های تحصیلات تکمیلی و انجام طرح‌های پژوهشی مشترک با موضوعات مورد توافق، اواخر سال گذشته با برگزاری نشستی مشترک در این مؤسسه در مشهد منعقد شده بود.

نیمکت زندگی

دو قدمی شهر

رقیه توسلی | از خوش‌شانسی‌هایم یکی داشتن عمه‌ایست که توی شورای روستا خدمت می‌کند. دهیار است. خواسته بروم پیشش تا به عنوان روزنامه‌نگار، مشکلاتشان را از نزدیک لمس کنم. بهار روستایی شمال، معجون است. اسب و سوار رد می‌شوند. گله سفید غازها زیر آفتاب پیاده‌روی می‌کنند. بوی سیر تازه‌چین بلند است. جمعیتی زن و مرد گل‌اندود هم روی خشکه شالیزار نشسته‌اند به نان و هندوانه خوردن... دفتر شورا کنار زمین‌های برنج است. بعدِ خوش و بش و تعارف، عمه از همه چیز می‌گوید. از معضل زباله و آسفالت به سرانجام نرسیده کوچه‌ها تا بازسازی مدرسه و مشکل اینترنت و خانه بهداشت و کشاورزانی که دانش و تجهیزات به‌روز ندارند. از درصد قابل توجهی که مهاجرت نکرده‌اند و اگر به کسب و کارشان بها داده شود می‌مانند و می‌سازند. وسط درددل‌های عمه، چشمم می‌افتد به خطی انسانی که پشت پنجره شکل گرفته. به زنان دیار پدری که مشغول نشای آخرین خزانه‌های شالی‌اند. صدای خواندنشان می‌آید. سه چهار نفرشان چادر شب بسته‌اند و گروه یازده نفره‌شان انگار دارند توی زمین مناجات می‌کنند.

عمه می‌آید کنارم می‌ایستد و اشاره می‌کند به روسری آبی جمع و می‌گوید آن خانم، معلم است. بعد شال خاکستری که آشپز مراسمات محل است را معرفی می‌کند و بعدش زنی که شغل اصلی‌اش گویا اداریست. آن وقت با چشمی که برق می‌زند روی دخترک کم سن و سالی زوم می‌کند و خوشحال ادامه می‌دهد؛ مریم نخبه فیزیک است. باورت می‌شود دانشگاه شریف درس بخواند؟

عصر آفتابی فوق‌العاده‌ای‌ست. زنبور و مورچه و ملخ و قورباغه و مرغ کنارم پرسه می‌زنند. مصاحبه با دهیار روستا تمام شده و قبل برگشتن به شهر برای خودم زنگ تفریح قائل شده‌ام. نشسته‌ام کنار یکی از شالیزارهای تازه نشا شده و چشمم پُر از دشت است. پُر از سرسبزی دست بشر. دارم به عظمت قدرت و خواست آدمیزاد فکر می‌کنم.

پی‌نوشت

مولا علی(ع) می‌فرمایند:
از فرصت‌های نیکو استفاده کنید. آن‌ها چون ابر زودگذرند.

عجبت لمن یحتجم لاطعام الاکثرة کیف لا یحتجم لاطهر الذنب لا یحتجم لاقلیة عقوبته

در شگفتم از کسی که از غذا(ی فاسد) به خاطر رنج و آزارش پرهیز می کند، امّا از «گناه»، به خاطر عذاب دردناکش پروا و پرهیزی ندارد!

حکمت

لقمان به پسرش گفت : «پسرم! هر گاه به گواهی دادن فراخوانده شدی گواهی بده و هر گاه به یاری کردن فراخوانده شدی یاری کن و هر گاه به مشورت فراخوانده شدی شتاب نکن تا دقت کنی؛ چرا که خردمند با دل چیزی را می بیند که با چشم نمی بیند».

شتاب نکن

تازه‌های نشر

به همت مؤسسه بوستان کتاب

پژوهش فقهی «آرایش‌های نو پدید» کتاب شد

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، «آرایش‌های نوپدید (پژوهش فقهی در طهارت‌های سه گانه)» اثر اکرم تقی در مؤسسه آموزش عالی حوزوی معصومیه (خواهران) تهیه و به همت مؤسسه بوستان کتاب در ۱۷۶ صفحه منتشر شد. امروزه محصولاتی عرضه می شود که استفاده از آن‌ها برای انسان متعهد به دستورهای دینی می تواند مانع کسب طهارت و پاکیزگی به حساب آید. از جمله این موانع، ظهور و بروز آرایش‌های نوپدید در جهان پیچیده و صنعتی امروز است. آرایش‌هایی که به علت جذابیت‌های بصری، توانسته بخشی از زنان جامعه مسلمان را به خود جذب کند و این پرسش را ایجاد نماید که آیا استفاده از چنین زینت‌هایی مانع صحت طهارت‌های سه گانه (وضوء، غسل و تیمم) است؟

اثر پیش رو از همین منظر به بررسی مانعیت یا عدم مانعیت آرایش‌های نوپدید در طهارت سه‌گانه پرداخته و با برشمردن برخی آرایش‌های جدید همچون کاشت ناخن، مژه و موی مصنوعی و با تکیه بر اندیشه‌های فقهی و اصولی علمای امامیه، مانعیت یا عدم مانعیت آن‌ها را در صحت طهارت‌های سه‌گانه بررسی کرده است.

این اثر در سه فصل و هفت گفتار تألیف شده است؛ در ابتدای فصل نخست به مفهوم‌شناسی پرداخته شده و در ادامه مقدار واجب شستن اعضا و شرایط صحت وضو و غسل تبیین شده است.

نویسنده در دومین فصل از این اثر که با عنوان «موضوع‌شناسی آرایش‌های نوپدید» تألیف شده، در سه گفتار «ناخن مصنوعی»، «مو، مژه و ابروی مصنوعی»، «تتو و هاشور ابرو» را مورد بحث و بررسی قرار داده است. برخی از مباحث این فصل عبارت‌اند از انواع روش کاشت ناخن، مانیکور، گزارش مکتوب از مشاهدات عینی کاشت ناخن، کاشت یا پیوند مو و روش‌ها و مراحل مختلف آن، کاشت موقت مژه یا همان اکستنشن مژه یا مژه مصنوعی و انواع و مراحل آن، میکروبیگمنتیشن ابرو و تفاوت آن با تتو.

«طهارت در آرایش‌های نوپدید از منظر فقه اهل بیت(ع)» عنوان سومین فصل از این اثر است که در قالب دو گفتار به «حکم فقهی استفاده از آرایش‌های نوپدید در حال اختیار»

و «حکم فقهی وضو و غسل جبیره‌ای با وجود مانع اختیاری» پرداخته شده است.

در بخشی از کتاب آرایش‌های نوپدید می‌خوانیم: «فقها به استناد آیات و روایات اتفاق نظر دارند شرط صحت وضو و غسل ،نبودن مانع در اعضای آن‌هاست و از طرفی بسیاری از آرایش‌های جدید جرمیت دارند و مخلّ شرط صحت وضو و غسل‌اند. از دیگاه علم اصول، مقدمه واجب، واجب است و مکلف در مورد برخی مقدمات مسئولیت دارد و اگر ترک مقدمه، موجب ترک واجب در زمان وجوب شود، حتی پیش از وقت وجوب، مکلف می‌تواند خود را در اضطرار قرار دهد.

در صورت وجود مانع اختیاری، وضو و غسل جبیره کافی نخواهد بود زیرا جبیره در مواردی است که مکلف، معذور از تکلیف اختیاری است. از این رو با وجود مانع اختیاری، حصول طهارت ممکن نیست، بلکه رفع مانع، واجب است؛ در صورتی که در شرایط خاص به دلایلی مانع برداشتنی نباشد، اضطرار به سوء اختیار است که منافی خطاب است اما منافی عقاب نخواهد بود».

موعظه

آیت‌الله حاج آقا مجتبی تهرانی

زندگی دنیایت را بر چه محوری استوار کردی؟

روایت شده به امام صادق(ع) عرض کردند: زندگی دنیایت را بر چه محوری استوار کردی؟ «علی مَا بَنَیْتَ أَمْرَکَ؟ فَقَالَ عَلَیْهِ السَّلَامُ: «عَلَمْتُ أَنَّ عَمَلی»؛ مراد این است: کاری را که به نفع من است «لا یَعْمَلُهُ غَیْرِی»؛ غیر من برای من انجام نمی‌دهد. کسی برای من انجام نمی‌دهد. تو چه کردی؟ آنچه برای من انجام نمی‌دهد، این را فهمیدم، «فَاجْتَهَدْتُ»؛ کمر همت بستم که خودم این کار را کنم چون کسی دیگر که برای من نمی‌کند. «وَ عَلَمْتُ أَنَّ رِزْقی لا یَأْکُلُهُ غَیْرِی»؛ این را فهمیدم که خدا آگاه است و احاطه دارد بر من. هیچ چیز من، پنهان از او نیست، درست است؟ به تمام وجود من احاطه دارد. «فَاسْتَحْیَیْتُ»؛ پس شرم کردم که عمل زشت انجام دهم یعنی گناه کنم.

سوم: «وَ عَلَمْتُ أَنَّ رِزْقی لا یَأْکُلُهُ غَیْرِی»؛ این را فهمیدم که روزی من است را غیر من نمی‌تواند بخورد. فهمیدی؟ روزی هر کس را که خدا مشخص کرده، همان را می‌خورد. این دو بدن‌ها همه‌اش بیجاست. آدم به تکلیفش عمل می‌کند. توجه کردید؟ آنچه روزی‌اش هست به او می‌رسد. غیر من، روزی من را نمی‌تواند بخورد. درست است یا نه؟ حالا چکار کردم؟ «فَاطْمَأْنَنْتُ» روحم آرامش پیدا کرد، هیچ اضطرابی برای روزی‌ام ندارم، چون کس دیگر که نمی‌تواند روزی من را بخورد. نه ضعف اعصاب گرفتم، نه ناراحتی روانی پیدا کردم، می‌فهمی چه می‌گویم؟ در زندگی دنیای‌ام، یک آرامش، اطمینان، یک آرامش درونی‌دارم در برابر چی؟ در برابر وضع روزی‌ام.

چهارم: «وَ عَلَمْتُ أَنَّ آخِرَ أَمْرِی الْمَوْتُ»؛ این را بهش رسیدم، نه خط، آخر کار من در این نشئه (دنیا)، مرگ و کوچ کردن است، سفر است؛ از اینجا باید بروم. چکار کردم؟ «فَاسْتَعْدَدْتُ»؛ خودم را آماده این سفر کردم. مسافر چطور خودش را آماده می‌کند. توشه‌اه‌ا، «یَا جُنَادَةُ اسْتَعْدِ لِسَفَرِکَ»؛ امام حسن(ع) در آخرین لحظات عمرش به جناده فرمود: «وَ خَصِّلْ زَادَکَ قَبْلَ حُلُولِ أَجَلِکَ»؛ درست یا نه؟ به آخر کار من در این نشئه (دنیا)، مرگ و کوچ کردن است، سفر است؛ از اینجا باید بروم. چکار کردم؟ «فَاسْتَعْدَدْتُ»؛ خودم را آماده این سفر کردم. آماده چی؟ زاد و توشه را برای خودم تهیه کردم.

گزارش

وزیر فرهنگ در اختتامیه جشنواره شعر نماز جمعه تأکید کرد

ضرورت بازگشت فعالیت‌های فرهنگی به مساجد

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: مسجد باید محور فعالیت‌های فرهنگی و هنری باشد، به همین دلیل ما شعار خود را بازگشت به مساجد قرار دادیم و معتقدیم باید فعالیت‌های فرهنگی و هنری را به مسجد برگردانیم.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) اختتامیه نخستین جشنواره شعر نمازجمعه و اختتامیه دومین جشنواره عکس شکوه جمعه با حضور محمدمهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و حجت‌الاسلام والمسلمین محمدجواد حاج علی اکبری، رئیس شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه یکشنبه ۸ خردادماه برگزار شد.

اسماعیلی در این نشست با اشاره به اینکه نگاهمان به نماز جمعه ویژه است، عنوان کرد: امام در این نماز تنها برگزارکننده یک نماز نیست و مسئولیت هدایت معنوی و فرهنگی یک شهر را بر عهده دارد و قلب معنوی یک شهر در نماز جمعه می‌تپد.

وی ادامه داد: نگاه ما در دولت این است که ظرفیت‌های فرهنگی و هنری را در قالب شبکه عظیم نظام قرار دهیم؛ ما هرچه هنر و فرهنگ را از خانسگاه دینی آن مانند نماز، مصلی و... جدا کنیم برای اینکه آن را در مسیر حاکمیت دینی قرار دهیم با مشکلات زیادی روبه‌رو می‌شویم.

وی افزود: جایی که این اتفاق افتاده ثمرات زیاد بوده اما در جایی که افتراق به وجود آمده دمیدن روح دینی در فعالیت‌های فرهنگی و هنری به‌ویژه در هنرهای وارداتی بسیار دشوار است. من در آسیب‌شناسی فرهنگ و هنر معتقدم افتراق در این حوزه برای ما هزینه‌ساز است و باید این هزینه را در دولت انقلابی و مردمی جبران کنیم. به همین دلیل ما شعار خود را بازگشت به مساجد قرار دادیم و باید فعالیت‌های فرهنگی و هنری را به مسجد برگردانیم.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با بیان اینکه مسجد باید محور فعالیت‌های فرهنگی و هنری باشد، تأکید کرد: یک وقتی این هنر در تراز نماز جمعه است که در مهم‌ترین مسجد شهر برگزار می‌شود و اهمیت مضاعفی دارد. کار خوبی در بخشی از مصلاهای در حال ساخت انجام می‌شود که فعالیت‌های فرهنگی و هنری در آن ادامه دارد. در اصفهان چنین چیزی رخ داده است. در شهرکرد دستور دادیم این نگاه در مصلی دنبال شود.

اسماعیلی گفت: ما هر چه فرهنگ و هنر را به دین نزدیک کنیم موفق‌تر خواهیم بود. در ۱۱ استان برای ۴۰ ردیفه و برای ۴۰هزار هنرجو دوره‌های فرهنگی و هنری را در مساجد برگزار می‌کنیم مگر بخش کوچکی از فعالیت‌های هنری که به لحاظ شأن نشود و مسجد در عرضه کند. اما به غیر از این، هنر، ابزار مناسبی برای انتقال پیام دین است. شعر و سرود هم بر همین منوال است.

■ **سرود «سلام فرمانده» مایه مباهات ماست**

وی ادامه داد: سرود سلام فرمانده که این روزها مورد توجه نوجوانان ما قرار گرفته مایه مباهات ماست. این جایی است که فرهنگ و هنر به خدمت معارف عمیق دینی درمی‌آید. شما طی دوره شعرای برجسته ما را بیینید که چه نقش مهم و کم‌نظیری در ترویج روحیه ایثار و از خود گذشتگی و حضور در جبهه‌ها داشتند، توضیح داد: امیدوارم با استفاده از ظرفیت‌های هنری بتوانیم در ترویج نماز جمعه به وظیفه خود عمل کرده باشیم. از همین منظر در حوزه شعر و عکس تلاش کردیم بر اساس فراخوانی که داده شده آثار مرتبط با این حوزه را جمع‌آوری کنیم و در واقع به نماهایی بپردازیم که کمتر دیده شده است.

شعائر باید بتوانیم از ابزار هنر استفاده کنیم.

وی یادآور شد: عکس‌ها و شعرها درباره نماز جمعه اگر ترویج شود تأثیراتش را می‌گذارد. ما در حاکمیت دینی تلاش می‌کنیم مردم به سعادت دنیوی و اخروی برسند. سیاست از نگاه بزرگان ما همین است که از همه ابزارها برای سعادتمندی انسان استفاده می‌شود در حالی‌که در غرب گفته می‌شود دین حق ورود به اجتماع را ندارد اما تمدن دینی می‌خواهد مردم را سعادتمند کند و همه ابزارها نیز برای تحقق این هدف در اختیارش است.

وی با اشاره به تلاش‌های حاج علی اکبری گفت: من ذکر خیر ایشان را سی و چند سال پیش شنیده بودم و دوستان ما حجره ایشان را با حسرت نشان می‌دادند. به حمدالله این شخصیت دانشمند و متخلق در شورای سیاست‌گذاری ائمه و مورد اعتماد رهبر معظم انقلاب هستند و امیدوارم بتوانند طرح‌هایشان را در این حوزه عملیاتی کنند.

اسماعیلی در پایان برای جان باختگان حادثه متروپل آبادان طلب مغفرت کرد و بر روان شهدای نماز جمعه درود فرستاد.

■ **درباره نماز جمعه راه نرفته زیاد داریم**

حاج علی اکبر در بخشی از این مراسم طی سخنانی گفت: نماز جمعه در تطهیر جان مؤمنان وصفابخشی به ذهن تأثیرگذار است. از سوی دیگر نماز به‌ویژه نمازجمعه در حوزه جامعه‌پردازی یکی از نهادهای اصلی است و نقشی که خطبه‌ها در انسجام‌بخشی جامعه و کنار هم قرار دادن آن‌ها داردبی‌مثال است و در مجموع مسیری که به سوی تحقق تمدن اسلامی است از این عرصه می‌گذرد. ابعاد گوناگون شعار جمعه به‌ویژه در جنگ تحمیلی خاطره‌انگیز بوده و آثار و برکات آن در بخش‌های مختلف قابل مشاهده است.

وی با بیان اینکه درباره نماز جمعه راه نرفته زیاد داریم و حقش برآورده نشده است، تأکید کرد: ما هنوز خیلی فاصله داریم تا حق نماز جمعه را ادا کنیم. در بخش‌های گوناگون از نهادهای مسئول تا نخبگان و هنرمندان ما می‌توانند در این حوزه کار کنند.

به گفته حاج علی اکبری، اسرار و ظرفیت‌های نماز جمعه اقتضا می‌کند همگی برای تعالی آن قدم برداریم. ما هر روز به نماز جمعه تراز برای خودسازی، تمدن‌سازی و جامعه‌پردازی نیاز داریم.

وی با اشاره به ظرفیت‌های هنر و زبان آن در ترویج مفاهیم دینی گفت: هنر ابزاری برای ترویج و تبیین و ارائه و نفوذ پیام دینی است و از سوی دیگر همه چشم‌ها به هنر متعهد دوخته شده است. هر چند هر هنری به خدمت دین بیاید خودش فیض می‌برد. اگر شعر به محضر دین بیاید قدسی و آسمانی می‌شود و برکاتش قابل تصور نیست. هر رشته از رشته‌های هنری به خدمت دین بیاید خودش بارور می‌شود.

وی گفت: از سوی هنر از این طریق به مسئولیت و رسالتی که بر عهده‌اش است عمل می‌کند. البته آموزه‌ها و معارف دینی نیز برای اینکه به مقصد خود برسند بیشترین بهره را می‌توانند از هنر ببرند. حاج علی اکبری در ادامه با بیان اینکه ما در نهادنمازجمعه از اصحاب اشعار هنر دعوت کردیم نخست خودشان را در محضر نماز جمعه با ظرفیت‌های شگفت‌انگیز خودشان جلا بدهند و از سوی دیگر با رسالت خود عمل کنند، توضیح داد: امیدوارم با استفاده از ظرفیت‌های هنری بتوانیم در ترویج نماز جمعه به وظیفه خود عمل کرده باشیم. از همین منظر در حوزه شعر و عکس تلاش کردیم بر اساس فراخوانی که داده شده آثار مرتبط با این حوزه را جمع‌آوری کنیم و در واقع به نماهایی بپردازیم که کمتر دیده شده است.

حجت‌الاسلام‌والمسلمین جوادمحدثی در نشست «جایگاه الهی‌نامه‌نویسی در ادبیات دینی» مطرح کرد

احیای سنت «الهی‌نامه‌خوانی» در فرهنگ عمومی

الهی‌نامه به اثری گفته می‌شود که حالت مناجات دارد و جملات آن با الهی شروع می‌شود؛ شاعران و ادیبان، الهی‌نامه‌هایی را در طول قرون گذشته داشته‌اند و یکی از ایشان مرحوم آیت‌الله حسن‌زاده آملی است.

پرونده

استاد سطح خارج حوزه علمیه گفت: باید در پرتو خواندن الهی‌نامه‌ها ارتباط قلبی خود را با خدا بیشتر کنیم و در آثار و نوشته‌ها از عبارت این نوع آثار بهره ببریم و حفظ کنیم، آن‌ها را در ذهن و قلب خود مرور کرده و وارد فرهنگ عمومی کنیم.

به گزارش ایکنا، حجت‌الاسلام والمسلمین جواد محدثی، استاد حوزه هشتم خرداد ماه در نشست «جایگاه الهی‌نامه‌نویسی در ادبیات دینی» گفت: دعا یکی از عرصه‌های ظهور و بروز قدرت بیان و توصیف و بهره‌گیری از ادبیات است؛ آثار ادبی فراوانی در قالب شعر و نثر وجود دارد که موضوع آن نیایش و دعاست و معمولاً ادیبان و صاحبان ذوق و قلم سعی می‌کنند زیباترین ادبیات و الفاظ و کلمات را برای نیایش با خدا برگزینند.

وی افزود: چه در نیایش‌های نثر و نظم و چه عربی و فارسی، محور بیان، الطاف الهی و اعطایی است که خدا به موجودات عالم دارد و گاهی بیان نیازهای بنده در پیشگاه خداوند و اظهار فقر و نیاز و مسکنت و صغارت در برابر خداوند و گاهی هم بیان نعمت‌های خداوند است و خوب است انسان پیش از بیان حاجت به درگاه خدا، نعمت‌های او را به نشانه قدردشناسی برشمارد.

■ **قدیمی‌ترین الهی‌نامه منتسب به داود**

محدثی بیان کرد: معمولاً در عرف این‌طور مطرح است که دعا و نیایش صرفاً درخواست و عرض حاجت به درگاه خداست، در صورتی که هم بیان اوصاف پروردگار و بازشماری نعمت‌های الهی و هم خواستن حاجت‌هایی است که اجابت آن فقط از ذات کبریایی خداوند برمی‌آید. اگر به پیشینه آثار دعایی نگاه کنیم شاید بتوان گفت قدیمی‌ترین اثر در این زمینه زبور حضرت داود(ع) است؛ در قرآن هم اشاره شده که داود(ع) صوت و بیان زیبایی داشت و با خدا مناجات کرده و در این مناجات پرندگان و کوه‌ها با او همصدا می‌شدند.

این ادیب و نویسنده در ادامه گفت: آنچه از زبور داریم اصل آن نیست و نمونه‌هایی که هست یا به فارسی یا به انگلیسی و عربی است ولی آیا حضرت داود(ع) با همین زبان‌ها با خدا راز و نیاز می‌کرد؟ به همین دلیل زیبایی و لطافت بیان داود(ع) در این ادعیه و نیایش‌ها در ترجمه به دست نمی‌آید و البته به صورت کلی فصاحت و بلاغت موجود در زبان اصلی، در ترجمه دیده نمی‌شود به همین دلیل خواندن زبور داود(ع) به فارسی دل ما را نمی‌برد و شاید جذابیتی ندارد.

محدثی اضافه کرد: در فرهنگ اسلامی و در ادعیه امام علی(ع)، حضرت سجاد(ع) در صحیفه سجادیه، دعای عرفه امام حسین(ع)، کمیل و مناجات شعبانیه و... این چند مجبور یعنی هم بیان اوصاف الهی، هم بیان نعمت‌های خداوند و هم ابراز عجز و انابه و فروتنی و خضوع و درخواست حاجت وجود دارد. در متون ادبی فارسی هم قصاید و رباعیات و سروده‌های مناجاتی فراوانی وجود دارد که به نحوی الهی‌نامه محسوب می‌شوند.

■ **نمونه‌هایی از الهی‌نامه‌های گذشته و معاصر**

استاد حوزه علمیه گفت: کسانی زحمت کشیده و اشعار مناجاتی را گردآوری کرده‌اند که یکی از آن‌ها کتیبه چندصد صفحه‌ای به نام «شعر توحیدی» است که استاد مجاهدی از اشعار شاعران گذشته تا معاصر جمع‌آوری کرده و محورهای آن بیان اوصاف الهی و مسائل الهیاتی و توحیدی است.

محدثی اضافه کرد: اگر به دیوان شاعران مختلف مراجعه شود معمولاً در ابتدای آن، قصاید توحیدی و سپس اشعاری که جنبه مدح و ثنای پیامبراکرم(ص) دارد و بعد اشعاری با مضامین دیگر آمده است؛ کتابی با عنوان نیایش از الکسیس کارل هست که به فارسی ترجمه شده یا کتاب نیایش از دکتر شریعتی داریم؛ کتاب «دست دعا؛ چشم امید» هم ترجمه‌ای زیبا از مناجات‌های خمس عشر از امام سجاد(ع) است که با قلم هنرمندانه سیدمهدی شجاعی ترجمه شده است.

استاد درس خارج حوزه علمیه اضافه کرد: آثار خواجه عبدالله انصاری هم چه آن‌ها که جنبه الهی‌نامه دارد و چه بقیه آثار از دیگر متونی است که می‌توانیم به آن‌ها ارجاع دهیم. خواجه عبدالله کتابی به نام صد میدان دارد که عمدتاً عرفانی است یا رسائل جامع خواجه عبدالله مجموعه‌ای از سروده‌ها و مناجات ایشان است؛ کتاب دیگری به نام سخنان پیرهرات وجود دارد که مجموعه زیباترین سخنان نظم و نثر خواجه عبدالله شامل هفت رساله از جمله دل و جان، کنزالسالکین، قلندرنامه، هفت حصار، محبت‌نامه و الهی‌نامه است.

■ **مثال‌هایی از الهی‌نامه خواجه عبدالله**

وی با بیان اینکه الهی‌نامه خواجه عبدالله انصاری بسیار دلنشین و ممتاز است، افزود: از جمله او در این کتاب آورده است؛ الهی خواندی، تأخیر کردم؛ فرمودی، تقصیر کردم؛ الهی عمر خود بر باد کردم و بر تن خود بیداد کردم؛ الهی ای بود و نابود من تو را یکسان، از غم مرا به شادی برسان؛ الهی در دل‌های ما جز تخم محبت خود مکار و بر تن و جان‌های ما جز الطاف و مرحمت خود منگار و بر کشت‌های ما جز باران رحمت خود مبار؛ یا شاه‌ها گریخته بودیم تو خواندی، ترسان بودیم بر خوان لاتقنطوا تو نشاندی، الهی بر سر از خجالت درد داریم و در دل از حسرت درد داریم و رخ از شرم گناه زرد داریم. الهی اگر دوستی نکردیم دشمنی هم نکردیم اگرچه بر گناه مصریم بر یگانگی تو مقریم؛ الهی اگر گوییم، ثنای تو گوییم و اگر جوییم، رضای تو جوییم؛ الهی بنیاد توحید ما را خراب مکن و باغ امید ما را بی آب مکن و به گناه روی ما سیاه مکن. الهی دلی ده که در کار تو جان باشیم و جانی ده که کار آن جهان سازیم؛ الهی مگوی که چه کرده‌ای که روا شویم، مگو چه آورده‌ای که رسوا شویم؛ الهی به صلاح آر که نیک بی سامانیم و جمع دل که بد پریشانیم؛ الهی ظاهری داریم شورید، باطنی در خواب، سینه‌ای داریم در آتش و دیده‌ای داریم پرآب و گاه در آتش سینه می‌سوزیم و گاه در آب چشم، غرق آب. آنچه به جان زنده است از زندگانی محروم است.

محدثی تصریح کرد: این اشعار هم ذکر حاجت بنده نیازمند به خدای بی‌نیاز و هم توصیفی از اوصاف و شایستگی‌های خداوند متعال است. الهی‌نامه به آثاری گفته می‌شود که حالت مناجات دارد و جملات آن با الهی شروع می‌شود؛ شاعران و ادیبان الهی‌نامه‌هایی را در طول قرون گذشته داشته‌اند، یکی از ایشان مرحوم آیت‌الله حسن‌زاده آملی است که الهی‌نامه‌ای دارد که در سال‌های اخیر بوستان کتاب آن را چاپ کرده است.

این نویسنده در ادامه بیان کرد: بنده خودم هم تجاربی در این مسیر داشتم و کتابی به نام الهی‌نامه نوشته‌ام که با الهی‌نامه‌های مرسوم و متداول علما و بزرگان در برخی موارد تفاوت‌هایی دارد که در جلسات آینده بحث خواهد شد.

وی تأکید کرد: باید در پرتو خواندن این نوع الهی‌نامه‌ها ارتباط قلبی خود را با خدا بیشتر کنیم و در آثار و نوشته‌ها از عبارت این نوع آثار بهره ببریم و حفظ کنیم و آن‌ها را در ذهن و قلب خود مرور کرده و وارد فرهنگ عمومی کنیم.

دیدگاه

رجبی دوانی:

دشمن دنبال برهم زدن پیوند هیئت با نظام است

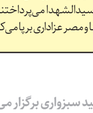

رجبی دوانی گفت: انقلاب دلیل گسترش و تحول هیئت‌ها بوده است به‌طوری که امروز شاهدیم هیئت‌ها صرفاً محل برگزاری مراسم نیست و کارهای متعددی انجام می‌دهند. پیوند به‌وجود آمده میان «هیئت» و «نظام» امری خوب است که دشمن به دنبال برهم زدن آن است.

به گزارش خبرگزاری فارس، رهبر معظم انقلاب بهمن‌ماه ۱۴۰۰ در دیدار با جامعه مداحان به تاریخچه و ریشه شکل‌گیری هیئت و تطوراتی که در طول تاریخ و از زمان انقلاب تاکنون داشته پرداختند و مطالبه کردند اهل تحقیق بیشتر روی جزئیات این امر بررسی داشته باشند.

در این راستا نشست‌های علمی تخصصی «هیئت در آینه تاریخ» به همت اندیشکده مطالعات حسینی مرکز تخصصی امر شکل گرفت که دومین نشست آن، با حضور محمدحسین رجبی دوانی در دانشگاه امام صادق(ع) برگزار شد.

در این نشست و پس از پخش بیانات رهبر معظم انقلاب، رجبی دوانی سخنان رهبر معظم انقلاب در زمینه بررسی تاریخی شکل‌گیری و سیر تطورات هیئت و عزاداری را امری مهم دانست که برای محققان و مورخان ایجاد تکلیف می‌کند و باید برای تحقیق و پژوهش در این موضوع همت گماشت.

وی فعالیت انفرادی در این زمینه را دشوار و کار تیمی روشمند و محققانه را ضروری دانست و گفت: در زمینه روش تحقیق، یکی از اشکالات موجود در تحقیقات، بی‌جویی چیزها «عنوان» به صورت مستقیم و نه «مفهوم» مورد نظر است. به عنوان مثال اکثنافه به تحقیق درباره لفظ «هیئت» به صورت مستقیم ندارست بوده و جست‌وجوی اجتماعات و تشکل‌های مرتبط با این مفهوم، ضروری است.

■ **هیئت؛ محرک فعالیت‌های اجتماعی شیعه در طول تاریخ**

رجبی دوانی تصریح کرد: اگرچه لفظ هیئت را در منابع تاریخی نمی‌بینیم و این اصطلاح از دوره قاجار باب شده اما منابع تاریخی با اشاره‌های متعددی به عزاداری‌هایی دارد که در دوره‌های مختلف توسط مردم و حاکمیت انجام می‌شده است. تاریخ را باید بدون دخالت دادن حساسیت‌های سیاسی و بدون پیش‌فرض مورد بررسی قرار داد. برخی پادشاهان قاجار و به‌خصوص صفویه برای ترویج عزاداری و یاد و نام اهل بیت(ع) تلاش‌های بسیاری انجام دادند. هیئت محرک فعالیت‌های اجتماعی شیعه در طول تاریخ است.

■ **رژیم پهلوی صدیت بی‌مانندی با اسلام و تشیع داشت**

رجبی دوانی سیر تطور عزاداری بر سیدالشهدا از بعد حادثه عاشورا تا دوران ائمه اطهار(ع) و سپس آغاز عصر غیبت را تشریح کرد و گفت: وضعیت عزاداری‌های مردم و اقداماتی که حاکمان در دوران آل‌بویه، سلجوقیان، خوارزمشاهیان، ایلخانیان، صفویه، افشاریه، زندیه، قاجار و دوران پهلوی در این خصوص انجام داده‌اند، باید تحلیل و بررسی شود. در میان تمام ادوار تاریخی و تمام حکومت‌های پادشاهی ایران، هیچ دورانی همچون دوران پهلوی اول و دوم، وضعیت فرهنگی ایران خیم نبوده است و صدیتی که پادشاهان پهلوی با اسلام و تشیع داشته‌اند در هیچ یک از دیگر سلاطین و پادشاهان ایرانی سابقه نداشته است.

این پژوهشگر تاریخ با اشاره به اینکه سهم انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی در گسترش هیئت‌های مذهبی در زمانه حاضر باید بررسی شود، گفت: انقلاب دلیل گسترش و به‌خصوص تحول هیئت‌ها بوده است که امروز شاهدیم هیئت‌ها صرفاً محل برگزاری مراسم نیست و کارهای متعددی انجام می‌دهند. پیوند به‌وجود آمده میان «هیئت» و «نظام» امری خوب است که دشمن به دنبال برهم زدن این پیوند است.

■ **اهل سنت هم هیئت عزاداری دارد**

وی با بیان اینکه خنثی و سرنگون شدن جریان فتنه به واسطه به میدان آمدن هیئت‌ها و جسارتی که فتنه‌گران به عزاداری و هیئت گردیده موجب جوشش غیرت دینی مردم شده، رقم خورد، تصریح کرد: هیئت و عزاداری موهبتی استثنایی است که اختصاص به شیعه ندارد و مکاتب مختلف اهل سنت و حتی اسماعیلیان در دوره‌های مختلف تاریخی به عزاداری برای سیدالشهدا می‌پردازند. فاطمیون در شمال آفریقا و مصر عزاداری برپا می‌کنند.

هرکس نتوانَد ما را زیارت کند، دوستان و پیروان شایسته ما را زیارت کند، تا پاداش زیارت ما برایش نوشته شود.

زیارت

نتیجه راستگویی

حسین آقامحمدی مشهور به حمید سبزواری سال ۱۳۰۴ در سبزوار به دنیا آمد. او شاعر اشعار حماسی و عرفانی اعم از قصیده، غزل، دوبیتی، رباعی و شعر نو بود که به دلیل سرودن بخشی از جاودانه‌ترین تصنیف‌های دوران آغاز انقلاب به «یدر شعر انقلاب» مشهور شد.

یکی از مشهورترین آثار او وکاعه «همیای جلودار» است که با دکلمه فرج‌الله سلحشور و خوانندگی حسام‌الدین سراج اجرا شده است. «آمریکا، آمریکا، ننگ به نیرنگ تو» یکی دیگر از آثار مشهور او است. سبزواری بامداد جمعه ۲۲ خرداد ۱۳۹۵ در بیمارستانی در تهران درگذشت و پیکرش در زادگاهش به خاک سپرده شد.

خبر

همزمان با سالروز بزرگداشت مرحوم حمید سبزواری برگزار می‌شود

نخستین همایش ملی سرود و سرودهای انقلاب اسلامی

به مناسبت بزرگداشت مرحوم حمید سبزواری، نخستین همایش ملی سرود و سرودهای انقلاب اسلامی برگزار می‌شود.

علی صادقی‌منش، عضو هیئت علمی دانشگاه و دبیر علمی نخستین همایش ملی سرود و سرودهای انقلاب اسلامی با اعلام این خبر به خبرنگار فرهنگی تسنیم گفت: از آنجا که سبزوار زادگاه و مدفن پدر شعر انقلاب اسلامی است، دانشگاه حکیم سبزواری در نظر دارد نخستین همایش ملی سرود و سرودهای انقلاب اسلامی را همزمان با روز بزرگداشت آن شاعر فقید (۲۲ خرداد جاری) برگزار کند. در همین راستا تدوین کتابی با عنوان «سرود و سرود آزادگی» در دستور کار بخش علمی همایش قرار گرفته است.

وی افزود: از یکایک استادان، مدرسان، دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی و پژوهشگران حوزه‌های علوم انسانی و به‌ویژه زبان و ادبیات فارسی و ادبیات پایداری که مایل به همکاری هستند، درخواست می‌کنم در زمینه ساختار و درونمایه‌های انقلاب اسلامی، سرود و سرودهای انقلاب اسلامی، تأثیر متقابل شعر و ادبیات بر رویدادهای سیاسی-اجتماعی انقلاب اسلامی، ظرفیت‌های سرود و شعر در شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی-سیاسی و موضوعاتی از این دست با محوریت شخصیت حمید سبزواری، نوشتار علمی خود را حداکثر تا تاریخ ۱۰ خردادماه جاری به دبیرخانه همایش ارسال کنند.

آگهی وضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر آراء هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی اسفراین تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضیان محرز گردیده است. لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در دو نشریه آگهی های ثبتی(کثیر الانتشار و محلی) به شرح ذیل آگهی می شود.

بخش۵

پلاک ۱- اصلی روئین

۱.کلاسه ۱۴۰۰۱۱۴۴۰۷۱۱۶۰۰۰۴۵۰ آقای اسمعیل سیفی فرزند محمدحسن شش دانگ منزل به مساحت ۱۹۲/۵۳ متر از پلاک ۴۶۷ فرعی از محل مالکیت ورثه ملا احمدرضا سیفی برابر رای۱۴۰۱/۰۶۴۵

۲.کلاسه ۱۴۰۰۱۱۴۴۰۷۱۱۶۰۰۰۴۵۸ خانم صدیقه زاهدی فرزند علی اصغر شش دانگ منزل به مساحت ۲۲۱/۷۳ متر از پلاک ۱۶۹۲ فرعی از محل مالکیت علی اصغر زاهدی برابر رای ۱۴۰۱/۰۶۳۱

پلاک ۵۷- اصلی سست

۳.کلاسه ۱۴۰۰۱۱۴۴۰۷۱۱۶۰۰۰۲۶۹ آقای ابراهیم ثابت رو فرزند رمضان شش دانگ دیمه زار به مساحت ۱۲۸۲۵/۵۵ متر از پلاک ۰ فرعی از محل مالکیت ورثه علی محمد یوسف زاده برابر رای ۱۴۰۱/۰۲۹۴

پلاک ۵۹- اصلی حسن آباد

۴.کلاسه ۱۴۰۰۱۱۴۴۰۷۱۱۶۰۰۰۱۴ خانم مرضیه گوهری فرزند علی اصغر شش دانگ منزل به مساحت ۲۵۷/۹۱ متر از پلاک ۱۶ فرعی از محل مالکیت قربان بیگی نوری اردغان برابر رای ۱۴۰۱/۰۷۳۰

پلاک ۶۴- اصلی خریمان

۵.کلاسه ۱۴۰۰۱۱۴۴۰۷۱۱۶۰۰۰۵۲۶ آقای پوریا شرافتمند فرزند محمدرضا شش دانگ منزل به مساحت ۴۱۵/۷۷ متر از پلاک ۵۵۴۰ فرعی از محل مالکیت سید حسین شه

بخشنده ترین مردم ، کسی است که به آن که به او چشم امید نبسته بخشش کند.

ان اجود الناس من اعطی من لایرجو

رونمایی از بسته محتوایی شعر ویژه دهه کرامت

خبر امروز

بسته محتوایی شعر ویژه دهه کرامت در مراسمی با حضور شاعران و مداحان اهل بیت(ع) در حرم مطهر رضوی رونمایی شد.

علیرضا خاکساری، مسئول کارگروه شعر و محتوای آیینی حرم مطهر رضوی در این مراسم با اشاره به اینکه رسالت این کارگروه، تولید و گزینش اشعار خاص است، گفت: یکی از ویژگی‌های بسته‌های محتوایی، لحاظ کردن ارزش افزوده برای اشعار و تلفیق شعر با مضامین آیات و روایات است. همچنین کشف استعدادها و بهره‌گیری از شاعران مهجور و جوان و استفاده از آثار آن‌ها در این مجموعه از دیگر ویژگی‌های این بسته محتوایی به شمار می‌آید. خاکساری تصریح کرد: این بسته در چهار بخش حضرت معصومه(س) و دیگر امامزادگان ایران، رحلت امام خمینی(ره) و ادبیات مقاومت، مدح و منقبت امام رضا(ع) و تصنیف تهیه و در قالب‌های مختلف شعری منتشر شده است. وی با اشاره به اینکه بیش از ۱۱۰ اثر در این بسته منتشر شده اضافه کرد: شعر کودک و نوجوان، اشعار کمتر استفاده شده از قدما، احتجاجات و مناظرات امام رضا(ع) و بیداری اسلامی در شعر امام خمینی(ره) محتوای این بسته را تشکیل می‌دهد.

علم و فناوری

فاکتور ۸ نوترکیب ایرانی در راه کشورهای حوزه C.I.S

مدیر عامل شرکت دانش‌بنیان سامان داروی هشتم از دریافت مجوز مصرف فاکتور ۸ انعقادی نوترکیب ایرانی با نام تجاری «سافاکتو AF» ویژه بیماران خاص هموفیلی، در کشورهای مستقل مشترک‌المنافع (C.I.S) توسط این شرکت خبر داد. دکتر امیرحسین مقصودی، مدیر عامل شرکت دانش‌بنیان سامان داروی هشتم در این باره گفت: سامان داروی هشتم به عنوان یکی از شرکت‌های زیرمجموعه بنیاد بهره‌وری موقوفات آستان قدس رضوی پس از تأمین نیاز داخلی، در مسیر حرکت به سمت بازارهای جهانی توانست به همت تیم خود در حوزه صادرات، فاکتور ۸ نوترکیب تولیدی این شرکت را برای نخستین بار در اتحادیه کشورهای حوزه C.I.S ثبت و در کنار برندهای مطرح دنیا مجوز عرضه آن را دریافت کند.

جلوه دیگری از خدمتگزاری خادمان امام رضا(ع)

سفیران کرامت رضوی

مهدی جهانگیری_عکس رضوی

گزیده

از همان روز نخست، صلح و سازش با خانواده شاکیان اولویت خادمان بود تا ضمن ترویج خلق حسنه سازش و بخشش در جامعه، خدمتی به خانواده زندانیان ارائه شود.

سارا صالحی

در چند سال اخیر خوشبختانه حرکت‌های ارزشمندی با هدف کمک به خانواده زندانیان؛ از آزاد کردن زندانی گرفته تا حمایت از اعضای خانواده‌هایشان در کشورمان شاهد هستیم.

اما پیش‌شرط همه اقدام‌ها در این مسیر، کمک به تقویت فرهنگ مصالحه و بخشش است. اقدام فرهنگی ارزشمندی که از آیین غنی اسلامی و سفارش‌ها و سیره اهل بیت طاهرین(ع) سرچشمه می‌گیرد. آستان قدس رضوی نیز از چند سال پیش، چه در قالب طرح‌های حمایتی نهادهای خود نظیر «نذر امام» که برای آزادی مادران نیازمند زندانی در سطح کشور توسط بنیاد کرامت رضوی در حال اجراست و چه به همت عالی خادمان این بارگاه برای صلح و سازش خانواده شاکیان تلاش می‌کنند، در این مسیر پیشگام بوده است.

در آستانه دهه کرامت به سراغ یکی از تشکل‌های فرهنگی خودجوش در حرم مطهر رضوی رفته‌ایم که با همت بلند و نیات مؤمنانه خدمه و خادمان بارگاه مطهر ثامن‌الحجج(ع) سال‌هاست در مسیر پرفراز و نشیب کمک به خانواده زندانیان شهر مشهد در حال فعالیت است. با سیده‌معصومه حسینی، مسئول بخش خواهران خدمه حرم مطهر رضوی در این زمینه به گفت‌وگو پرداختیم.

■ **از شروع این حرکت و سپس از اهداف شکل‌گیری و انواع اقدام‌های آن برایمان بگویید.**

از سال ۹۶ بنای این حرکت خداپسندانه به همت اداره خدمات کفشداری حرم مطهر رضوی در جمع خادمان گذاشته شد و خدمت به زندانیان در دو مسیر پیگیری شد. از همان روز نخست، صلح و سازش با خانواده شاکیان اولویت خادمان بود تا ضمن ترویج خلق حسنه سازش و بخشش در جامعه، خدمتی به خانواده زندانیان ارائه شود.

به این ترتیب، خادمان متخصص در امور حقوقی و فعال در نهادهای قضایی با هماهنگی دستگاه‌های اجرایی مرتبط، به نام مبارک علی بن موسی الرضا(ع) به عنوان سفیران صلح و سازش در پرونده‌های پیشنهاد داده شده از سوی مسئولان دستگاه قضا، پادرمیانی می‌کنند تا با گرفتن رضایت و یا تخفیف، خدمتی به خانواده زندانیان کرده باشند.

علاوه بر این خدمت، خادمان هر کشیک به هر مناسبت یا حتی بی‌مناسبت، بنا به نیت قلبی خود مبالغی را به صندوق خدام واریز می‌کنند تا در حد بضاعت خود به آزادی شماری از محکومان جرایم مالی کمک شود به طوری که مجموع کمک‌های سال گذشته خادمان ۷۰ میلیون تومان شد که برای آزادی زندانیان صرف شد.

■ **چطور شد که بانوان خدمه یک حرکت دیگر را در همین راستا ساماندهی کردند؟**

از سال ۹۷ به تدریج مبالغی توسط بانوان خدمه هر کشیک به شکل کاملاً خودجوش با نیت آزادی زندانیان جمع‌آوری می‌شد اما این اقدام از سه سال پیش با مشارکت ستاد دیه کشور به صورت کاملاً مدون ساماندهی و کمک‌ها در راستای رهایی زندانیان هزینه می‌شود. باید تأکید کنم که برخلاف تصور، چنین اقدام‌های ارزشمندی غالباً با مبالغ خرد به نتیجه می‌رسد تا مبالغ درشت و چشمگیر. ما معتقدیم کاری که به نیت خدمت به خلق خدا و به نام مبارک امام هشتم شروع شود، در ابتدا هر چقدر کم و کوچک باشد، به عنایت خود حضرت وسعت و برکت پیدا می‌کند.

این حرکت نیز بحمدالله با کمک‌ها و نذورات خرد، از ۱۰۰هزار تومان به بالا تا امروز برکت یافته و در آخرین اقدام که سال گذشته با مشارکت ستاد دیه انجام شد، مادر و پسری زندانی با پرداخت ۴۴ میلیون تومان بدهی همزمان با سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا(س) در قالب مراسمی آیینی با حضور جمعی از خادمان حرم منور رضوی از بند خلاص شدند.

■ **خواهران خادم برخاسته از چه نیتی در راستای رهاسازی زندانیان مشارکت می‌کنند؟**

درست است که صِرف نیت کمک به آزادی یک انسان در بند، کار خیرخواهانه بزرگی به حساب می‌آید، ولی خانم‌های خادم حرم مطهر، ارزش این کار را با نیت خیر دیگری مضاعف و ارزشمندتر کردند. از روز اولی که جمع‌آوری این کمک‌ها به نیت آزادی زندانیان شروع شد، بین خواهران خادمه یک قرار هم گذاشته شد که به ازای هر ۱۰۰ هزار تومانی که جمع می‌شود، یک دور قرائت قرآن نیز به نیت درگذشتگان ختم شود. همگی اعتقاد داریم که یکی از مهم‌ترین دلایل قوت گرفتن این جریان نیکوکارانه همین گره خوردن نیات به آیات و تلاوت قرآن کریم است.

■ **چه خبر خوشی برای خانواده زندانیان و رقم زدن خدمت دیگری مرتبط با آزادی یک یا چند زندانی دارید؟**

ایام بابرکت دهه کرامت نزدیک است. به همین مناسبت فرخنده درصدد هستیم ضمن تجمیع کمک‌های بانوان خادم و نظر مساعد مسئولان امر، همزمان با روز ولادت باسعادت امام علی بن موسی الرضا(ع) با حضور در بند نسوان ندامتگاه شهر مشهد، باز هم دل زندانیان و خانواده‌هایشان را با دادن خبر آزادی خشنود کنیم.

برگ سبز خودرو سواری پژو پارس TU5 مدل ۱۴۰۱ رنگ سفید شماره پلاک ایران ۴۶_۱۷۹و۲۴ شماره موتور ۱۳۹B0۲۶۵۳۰۳ شماره شاسی NAAAN11FE0NK۱۸۱۰۸۳ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد. آگهی مفقودی ۴۰۱۰۲۸۲۶ ج

برگ سبز خودرو سواری پراید تیپ صبا GLXi مدل ۱۳۸۶ به شماره موتور ۲۱۳۵۴۹۳ به شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۶۶۰۱۳۳۹ به رنگ قرمز صدفی متالیک به شماره پلاک ۶۱۱ج۲۶ ایران ۹۵ بنام ارسلان سرفراز مفقودگردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد/ایرانشهر آگهی مفقودی ۴۰۱۰۲۸۸۶

برگ سبز خودرو وانت نیسان مدل ۱۳۶۹ رنگ نخودی به شماره انتظامی ۹۵۲ د ۱۶ ایران ۱۲ به مالکیت رحمت ثنائی پور مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. آگهی مفقودی ۴۰۱۰۲۸۲۴ س

برگ سبز وانت پیکان تیپ-HV-۱۶۰۰ مدل ۸۷ رنگ سفید- روغنی شماره موتور: ۱۱۴۸۷۰۲۹۳۵۳وشماره شاسی: NAAA۴۶AA۴۸G۰۲۸۰۷۸ شماره پلاک انتظامی۸۷ایران ۵۸۷ ص۶۷ به مالکیت محمود افشاری کد ملی ۴۲۷۰۲۹۸۹۷۹ مفقود وازدرجه اعتباراساقط می باشد. آگهی مفقودی ۴۰۱۰۲۸۲۵ ج

اصل سند و برگ سبز خودروی سواری وانت پیکان۱۶۰۰ohv رنگ سفید شیری روغنی مدل ۱۳۸۸ و به شماره موتور۱۱۴۸۸۰۱۵۷۷۵ و شماره شاسی naaa۳۶aa۸۹g۸۴۹۱۶۹ و شماره پلاک ۳۲ ایران ۷۴۸ ل ۷۷ بنام آقای غلامرضا میرخالقی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد آگهی مفقودی ۴۰۱۰۲۸۴۶ ج

برگ سبز و کارت خودرو پژو ۲۰۷ سفید مدل ۱۴۰۰ به شماره شهربانی ۹۹۴ ج ۷۸ ایران ۸۳ به شماره موتور ۱۷۸B۰۰۶۷۱۸۲ و شماره شاسی NAAR۰۳FE۸MJ۴۲۶۰۶۲ به نام سیدمیثم دستگردانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط میباشد. آگهی مفقودی ۴۰۱۰۲۸۱۸ ق

آگهی اخطاریه ماده ۱۰۱ – اموال غیر منقول به ورثه کلاسه ۱۳۹۹۰۴۰۰۷۱۴۱۰۰۰۳۸۷/۱

در خصوص پرونده اجرایی کلاسه ۱۳۹۹۰۴۰۰۷۱۴۱۰۰۰۳۸۷/۱ له خانم زهره مومن وعلیه محمد علی رضائی و معصومه رضائی و فاطمه رضائی به ولایت محمد علی رضائی و طوبی حضرتی همگی ورثه مرحوم علی رضائی اشعار می دارد مطابق نظریه ارزیابی انجام شده به شماره ۱۸۱۱ مورخه ۱۴۰۱/۰۲/۰۸ سه دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ۹۰۵ فرعی از ۱۱۸ - اصلی بخش دو بجنورد بازداشت شده به استناد سند ازدواج شماره ۱۲۶۱۰ -۱۳۸۳/۰۷/۲۷تنظیمی دفتر ازدواج ۳۹ متعلق به مورث شما مرحوم علی رضائی به مبلغ ۲.۴۱۲.۶۰۰.۰۰۰ ریال ارزیابی گردیده است و با توجه به اینکه ابلاغ واقعی در آدرس بجنورد روستای ارکان میسر نگردیده است؛ لذا بدینوسیله به آقای محمد علی رضائی نام پدر: رضاقلی تاریخ تولد: ۱۳۲۴/۱۱/۱۵شماره ملی: ۰۶۸۲۲۵۳۳۵۹ شماره شناسنامه: ۲۰ و ولی قهری -معصومه رضائی نام پدر: علی تاریخ تولد:۱۳۸۶/۰۲/۰۳شماره ملی: ۰۶۷۱۱۸۱۵۵۶ و فاطمه رضائی نام پدر: علی تاریخ تولد:۱۳۹۷/۰۸/۰۷ شماره ملی: ۰۶۷۲۳۱۶۶۰۹ همگی وراث مرحوم علی رضائی فرزند محمد علی به ش ش ۲۴۹۷ – ابلاغ می گردد چنانچه به مبلغ ارزیابی پلاک مذکور معترض می باشید، اعتراض کتبی خود را ظرف مدت پنج روز از تاریخ انتشار این اخطاریه به ضمیمه فیش بانکی دستمزد کارشناس تجدید نظر علی الحساب به مبلغ پانزده میلیون ریال به این اداره تسلیم نمایید. ضمنا به اعتراضی که خارج از موعد یا فاقد فیش بانکی دستمزد کارشناس تجدیدنظر باشد، ترتیب اثر داده نخواهد شد. مراتب یکبار در روزنامه کثیرالانتشار محلی منتشر شده و عملیات اجرائی بلافاصله پس از سپری شدن مهلت مذکور ادامه خواهد یافت و بجز آگهی مزایده آگهی دیگری منتشر نخواهد شد. شناسه آگهی ۱۳۲۵۶۸۴ آ- ۴۰۱۰۲۸۳۱

آگهی اخطاریه ماده ۱۰۱ – اموال غیر منقول به ورثه کلاسه ۱۳۹۹۰۴۰۰۷۱۴۱۰۰۰۳۸۷/۱

در خصوص پرونده اجرایی کلاسه ۱۳۹۹۰۴۰۰۷۱۴۱۰۰۰۳۸۷/۱ له خانم زهره مومن وعلیه محمد علی رضائی و معصومه رضائی و فاطمه رضائی به ولایت محمد علی رضائی و طوبی حضرتی همگی ورثه مرحوم علی رضائی اشعار می دارد مطابق نظریه ارزیابی انجام شده به شماره ۱۸۱۱ مورخه ۱۴۰۱/۰۲/۰۸ سه دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ۹۰۵ فرعی از ۱۱۸ اصلی بخش دو بجنورد بازداشت شده به استناد سند ازدواج شماره ۱۲۶۱۰ – ۱۳۸۳/۰۷/۲۷تنظیمی دفتر ازدواج ۳۹ متعلق به مورث شما مرحوم علی رضائی به مبلغ ۲.۴۱۲.۶۰۰.۰۰۰ ریال ارزیابی گردیده است و با توجه به اینکه ابلاغ واقعی در آدرس بجنورد روستای ارکان به شما میسر نگردیده است؛ لذا بدینوسیله به خانم طوبی حضرتی فرزند ولی به تاریخ تولد ۱۳۳۳/۰۷/۰۳ به شماره ملی ۰۶۸۱۲۱۹۶۳۷ - أحد از ورثه مرحوم علی رضائی فرزند محمد علی به ش ش ۲۴۹۷ ابلاغ می گردد چنانچه به مبلغ ارزیابی پلاک مذکور معترض می باشید، اعتراض کتبی خود را ظرف مدت پنج روز از تاریخ انتشار این اخطاریه به ضمیمه فیش بانکی دستمزد کارشناس تجدید نظر علی الحساب به مبلغ پانزده میلیون ریال به این اداره تسلیم نمایید. ضمنا به اعتراضی که خارج از موعد یا فاقد فیش بانکی دستمزد کارشناس تجدیدنظر باشد، ترتیب اثر داده نخواهد شد. مراتب یکبار در روزنامه کثیرالانتشار محلی منتشر شده و عملیات اجرائی بلافاصله پس از سپری شدن مهلت مذکور ادامه خواهد یافت و بجز آگهی مزایده آگهی دیگری منتشر نخواهد شد. شناسه آگهی ۱۳۲۵۶۷۹ آ- ۴۰۱۰۲۸۳۲

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۲۷۰۰۱۰۰۱۰۲ - ۱۴۰۱/۰۲/۱۷هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ناحیه یک زنجان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای مهرداد دینیان فرزند اصغر بشماره شناسنامه ۴۳۱۸ صادره از در یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۴۷۲ مترمربع پلاک فرعی از ۳۸ اصلی واقع در بخش ۷زنجان خریداری از مالک رسمی آقایان بهرامعلی و اصغر باغبانی و محمد علی بابائی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ،ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ،دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. آ-۴۰۱۰۲۸۳۳

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۱/۰۳/۰۹ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۱/۰۳/۲۴

محمدرضا حسنی- رئیس ثبت اسناد و املاک

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان آذربایجان غربی
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک بوکان
هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۱۶۰۳۱۳۰۱۰۰۰۰۶۶۰ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بوکان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای رئوف یوسفی فرزند خلیل بشماره شناسنامه ۲۳۷ صادره از شاهین دژ در یک باب خانه به مساحت ۲۵۰ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۱۳۳۷ فرعی از ۱۳۰– اصلی واقع در بخش ۱۷ شهرستان بوکان – بلوار شهدا ، خیابان علم و صنعت ، کوچه گزیزه ۲ خریداری از آقایان جعفر و محمد مهتدی آحادی از وراث مرحوم ابوبکر مهتدی ملک رسمی پلاک مذکور مع الواسطه محرز گردیده که برای آن پلاک ۱۵۱۴۷ فرعی از ۱۳۰ –اصلی تعیین و اختصاص یافته است . لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند . بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد . آ-۴۰۱۰۲۸۳۴

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۱/۰۳/۰۸ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۱/۰۳/۲۳

خالد خانه بیگی – رئیس ثبت اسناد و املاک بوکان

اگهی فقدان سند مالکیت

چون خانم فاطمه نعمتی برابر وکالت نامه شماره۱۲۱۸۷۴ به مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۱۶ و۱۶۰۴۲۳_۱۴۰۰/۱۰/۱۵ و گواهی حصر وراثت به شماره ۱۱۹۹ - ۱۳۷۷/۰۷/۰۲ و گواهی حصر وراثت بدون شماره و برابر درخواست به شماره با ارائه دو برگ استشهادیه محلی امضاء شده مدعی است سند مالکیت سه دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ۱۱۶ فرعی از ۳ اصلی واقع در بخش ۲ قوچان به علت جابجایی مفقود گردیده است که با بررسی دفتر املاک مشخص شد ذیل صفحه ۲۰۳ دفتر ۶۱ بخش ۲ قوچان سه دانگ مشاع از ششدانگ پلاک فوق بنام فیض اله پیش نمار ثبت وسند مالکیت صادر گردیده است. لذا به استناد ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت آگهی می گردد تا هر کس مدعی انجام معامله با وجود سند مالکیت پلاک فوق نزد خود می باشد باید ظرف مدت ۱۰ روز پس از مدت انتشار آگهی به این اداره مراجعه و مراتب را اعلام نماید، بدیهی است پس از سپری شدن مهلت مقرر طبق مقررات نسبت به صدور سند المثنی به نام متقاضی اقدام خواهد شد. آ-۴۰۱۰۲۷۶۷

عباس برق شمشیر رئیس اداره ی ثبت اسناد و املاک قوچان

آگهی فقدان سندمالکیت

نظربه اینکه آقای سیداحمدحسینی شادفرزندابوالقاسم باستاندوبرگ استشهادیه گواهی شده منضم به تقاضای کتبی جهت دریافت سندمالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه کرده ومدعی است سندمالکیت شش سهم مشاع از بیست وچهارسهم عرصه واعیان پلاک ۵۴۷۱فرعی جداشده از۴۷۸اصلی واقع دربخش۳شهرستان سبزوارکه متعلق به وی میباشدبعلت نقل مکان مفقود شده است با بررسی دفترملاک معلوم شدمالکیت فوق الذکردیل دفترالکترونیکی ۱۴۰۰۰۵۳۰۶۰۱۱۰۰۰۶۹۵۶ بشماره چاپی ۵۶۳۹۶۱سری الف سال۹۹نام نامبرده ثبت وسندصادروتسلیم شده است.دفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد.لذا باستنادماده۱۲۰آئینامه قانون ثبت مراتب یک نوبت آگهی ومتذکر می گردد هرکس نسبت به ملک موردآگهی معامله‌ای انجام داده یامدعی وجود سندمالکیت نزدخود باشدبایستی ظرف مدت ده روز ازتاریخ انتشار این آگهی اعتراض کتبی خودرا به پیوست اصل سندمالکیت یاسندمعامله رسمی به این اداره تسلیم نماید.بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر و یا وصول اعتراض بدون ارائه سندمالکیت یاسندمعامله رسمی نسبت به صدور سندمالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد.م (الف ۴۰۱/۳۶۵) آ-۴۰۱۰۲۸۳۸

تاریخ انتشار:۱۴۰۱/۰۳/۰۹

علی آب باریکی-رئیس ثبت‌اسناد و املاک سبزوار

رونوشت آگهی حصر وراثت

نظر به اینکه آقای ابوالفضل ایروانی دارای شناسنامه ۵۷۴۸۹۷۳۹۷۲۴ به شرح دادخواست به کلاسه ۷/۹۰/۱۴۰۱ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان علی اکبر ایروانی به شناسنامه ۵۷۴۹۵۶۲۱۹۰ در تاریخ ۱۴۰۱/۲/۲۵ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به

۱. سلطنت اردوغشی فرزند اسداله کدملی ۵۷۴۸۹۵۷۶۹۰۹ ت.ت ۱۳۲۳/۱/۱ نسبت همسر مرحوم
۲. ابوالفضل ایروانی فرزند علی اکبر کد ملی ۵۷۴۸۹۷۳۹۷۲۴ ت.ت ۵۲/۴/۳ نسبت فرزند مرحوم
۳. خدیجه ایروانی فرزند علی اکبر کد ملی ۵۷۴۹۷۱۷۰۷۰ ت.ت ۴۶/۱/۱۵ نسبت فرزند مرحوم
۴. کبری ایروانی فرزند علی اکبر کد ملی ۵۷۴۸۹۷۲۶۲۱۵ ت.ت ۴۸/۴/۱۵ نسبت فرزند مرحوم
۵. محمد ایروانی فرزند علی اکبر گد ملی ۵۷۴۹۷۳۳۳۷۸ ت.ت ۵۰/۱۰/۲ نسبت فرزند مرحوم
۶. اعظم ایروانی فرزند علی اکبر کد ملی ۱۰۵۲۶۸۸۲۵۳ ت.ت ۶۹/۳/۱۲ نسبت فرزند مرحوم
۷. مهدی ایروانی فرزند علی اکبر کد ملی ۵۷۴۹۸۴۷۶۰۸ ت.ت ۶۲/۱/۳ نسبت فرزند مرحوم
۸. طاهره ایروانی فرزند علی اکبر کد ملی ۵۷۴۹۸۵۶۱۸۶ ت. ت ۶۳/۶/۳۰ نسبت فرزند مرحوم
۹. فاطمه ایروانی فرزند علی اکبر کد ملی ۵۷۴۸۹۷۴۶۲۵۹ ت.ت ۵۴/۶/۳ نسبت فرزند مرحوم
۱۰. زهرا ایروانی فرزند علی اکبر کد ملی ۵۷۴۸۹۴۴۱۲۱ ت.ت ۵۹/۱/۱ نسبت فرزند مرحوم
۱۱. صغری ایروانی فرزندعلی اکبر کد ملی ۵۷۴۸۹۴۳۸۲۴ ت.ت ۵۷/۱۰/۵ نسبت فرزند مرحوم
۱۲. علی ایروانی فرزند علی اکبر کد ملی ۵۷۴۸۹۴۳۸۳۲ ت.ت ۵۸/۱۱/۱۴ نسبت فرزند مرحوم
۱۳. مهدیه ایروانی فرزند علی اکبر کد ملی ۵۷۴۹۸۴۷۶۱۶ ت.ت ۶۲/۱/۳ نسبت فرزند مرحوم
۱۴. حسین ایروانی فرزند علی اکبر کد ملی ۵۷۴۹۸۹۰۱۲۰ ت.ت ۶۶/۶/۳۰ نسبت فرزند مرحوم

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را به استناد ماده ۳۶۲ ق امور حسبی یک نوبت آگهی می نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد و الا گواهی صادر خواهد شد. آ-۴۰۱۰۲۷۳۲

امیر سلیمانی قاضی شورا شعبه هفتم شورای حل اختلاف شهرستان زبرخان

ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک تربت حیدریه
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۰۹/۲۰ و برابر رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۶۰۰۶۰۰۰۷۵۱ هیات اول موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تربت حیدریه تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای علی اقبال فرزند هوشنگ بشماره شناسنامه ۴۰۴ صادره از تربت حیدریه نسبت به ششدانگ یکباب منزل به مساحت ۱۷۹/۲۰ متر مربع (یکصد و هفتاد و نه و بیست صدم متر مربع) قسمتی از پلاک ۱۰۷۴ فرعی از اراضی منصوریه پلاک ۲۴۲ اصلی دهستان اربعه واقع در خراسان رضوی بخش یک حوزه ثبت ملک تربت حیدریه از مالکیت رسمی متقاضی محرز گردیده است . لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه محلی و کثیرالانتشار در شهر ها منتشر تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند . معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که دراین صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست . آ-۴۰۱۰۲۸۴۱

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۱/۰۳/۰۹ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۱/۰۳/۲۵

سید امین موسوی - رئیس ثبت اسناد و املاک تربت حیدریه

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۱/۰۳/۰۹-۱۳۹۹۶۰۳۰۶۰۰۲۰۰۰۳۷۱ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کلات تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای غلامحسین نجاتی قره سو فرزند علی به شماره شناسنامه ۶ صادره از کلات در یک قطعه باغ به مساحت ۱۶۹۶۰.۵۲ متر مربع قسمتی از پلاک فرعی ۳۷۶ فرعی از ۴ اصلی واقع در اراضی پس دربند خریداری از مالک رسمی محرز گردیده است . لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند . بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد . آ-۴۰۱۰۲۸۴۳

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۱/۰۳/۰۹ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۱/۰۳/۲۴

حجت نوبهاری-رئیس ثبت اسناد و املاک

اداره کل ثبت اسناد واملاک خراسان جنوبی
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک بیرجند
هیات موضوع قانون تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۸۰۰۱۰۰۰۷۹۲ مورخ ۱۴۰۱/۰۲/۳۱ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بیرجند تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای رضا فروزانفر، فرزند : محمد، بشماره شناسنامه ۱۰۰۳ صادره از بیرجند در ششدانگ یک قطعه زمین مشتمل بر استخر به مساحت ۲۵۷۹.۴ متر مربع پلاکهای یک و دو و سه فرعی از ۷۲۸ - اصلی واقع در خراسان جنوبی بخش دو حوزه ثبت ملک بیرجند از محل مالکیت احمد خراشادی زاده و سکینه علی‌آبادی و معصومه خراشادی‌زاده محرز گردیده است . لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود رابه این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. شناسه آگهی:۱۳۲۵۷۶۸ آ-۴۰۱۰۲۸۴۴

تاریخ انتشار نوبت اول : دوشنبه ۱۴۰۱/۰۳/۰۹ تاریخ انتشار نوبت دوم : چهارشنبه ۱۴۰۱/۰۳/۲۵

حسین براتی -رئیس ثبت اسناد و املاک بیرجند

اداره ثبت اسناد واملاک حوزه ثبت ملک اسدآباد
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۱/۲۶۰ مورخ ۱۴۰۱/۰۲/۱۱هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک اسدآباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای منصور علی نجفی فرزند مراد به شماره شناسنامه ۹۶۳ صادره